

به نام آن که جان را فکرت آموخت

فرهنگ موضوعی دوبیتی‌های فولکلور و
چیستان‌های تاتی

www.ketab.ir

محسن حداد کلور

آفتاب‌چی



سرشناسه : حداد کلور، محسن، ۱۳۶۷-
عنوان و نام پدیدآور : فرهنگ موضوعی دوبیتی‌های فولکلور و چیستان‌های تاتی / محسن حداد کلور
مشخصات نشر : تهران: آفتاب گیتی ۱۴۰۳
مشخصات ظاهری : ۱۱۸ ص.
شابک : 978-622-314-667-1
وضعیت فهرست نویسی : فیبا
موضوع : دوبیتی‌های تاتی
Couplets, Tati
چیستان‌های تاتی
Riddles, Tati
PIR ۳۲۴۲ / ت ۲۴۳
رده بندی کنگره : ۸۴۹ / ۹۱
رده بندی دیویی : ۲۴۴۲ / ۱
شماره کتابشناسی ملی : فیبا
اطلاعات رکورد کتابشناسی : فیبا

www.ketab.ir

عنوان: فرهنگ موضوعی دوبیتی‌های فولکلور و چیستان‌های تاتی

گردآوری و تالیف: محسن حداد کلور

نشر و پخش: انتشارات آفتاب گیتی

صفحه آرای: مجید اورعی

طراح جلد: محسن صفیاری

نوبت چاپ: اول - ۱۴۰۳

شمارگان: ۱۰۰ نسخه

چاپ: پاسارگاد

قیمت: ۱۵۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۳۱۴-۶۶۷-۱

کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است.

آدرس: تهران، فرودگاه مهرآباد، مجموعه فرهنگی و تفریحی هما، جنب سینارکیش

www.aftabegiti.com نشر و پخش: ۰۲۱-۶۶۹۶۹۸۳۷

فهرست مطالب

۵.....	پیشگفتار.....
۷.....	مقدمه.....
۷.....	فرهنگ عامه.....
۸.....	شهر کلور.....
۱۰.....	تات‌ها.....
۱۱.....	زبان تاتی.....
۱۲.....	رسم‌الخط این اثر.....
۱۵.....	راهنمای آوانگاری.....

فصل اول :

۱۷.....	ترانه‌ها و دوبیتی‌های تاتی.....
۱۸.....	ترانه‌های تاتی.....
۱۸.....	دوبیتی‌های توصیفی.....
۲۲.....	توصیف معشوق.....
۲۷.....	توصیف توأمان عاشق و معشوق.....
۲۸.....	توصیف بی‌وفایی روزگار و تالعات درونی.....
۳۱.....	پناه‌بی‌پناهی‌ها.....
۳۳.....	دوبیتی‌های عاشقانه.....
۳۳.....	هجران.....
۴۱.....	عشق.....
۴۷.....	شوق دیدار.....
۴۸.....	بی‌وفایی و نامهربانی معشوق.....
۵۷.....	نفرین.....
۶۰.....	وصال.....
۶۲.....	دوبیتی‌های جشن‌ها و رسومات.....
۶۲.....	شمه درزن.....
۶۴.....	آمان آمان.....
۶۵.....	استقبال از بهار.....
۶۷.....	زیره زئی.....
۶۹.....	ویوئه بزی.....
۷۱.....	چالنگیله.....

۷۳	کار و کشاورزی
۷۳	نچاری
۷۴	کشاورزی
۷۸	ارادت به ائمه اطهار
۸۱	باورها
۸۱	پپولو
۸۱	گاو ماهی
۸۳	لالایی
۸۴	دوبیتی‌های اعتراضی
۸۴	اجباری
۸۶	دختر عزیز خانه
۸۷	کدبانو
۸۸	تک‌بیتها
۹۰	تاثیر واژگان فارسی بر دوبیتی‌های تاتی
۹۲	پیوند دوبیتی‌های تاتی و تالشی
۹۳	اشعار ترکی در زبان تاتی
۹۵	پیوند تاتی کلور و تاکستان
۹۶	واژگان تاتی در دوبیتی‌های بابا طاهر

فصل دوم:

۹۷	چیستان‌های تاتی
۹۹	*انسان، اعضا و جوارح
۱۰۲	*متعلقات خانه
۱۰۳	*کشاورزی و محصولات
۱۰۶	*اسباب خانه و خوراکی‌ها
۱۰۸	*اشیاء
۱۱۰	*عناصر طبیعی
۱۱۲	*دین
۱۱۳	*احشام و حیوانات
۱۱۵	پاسخ چیستان‌ها
۱۱۸	فهرست منابع

پیشگفتار

فرهنگ عامه بخش بزرگی از ادبیات و فرهنگ قوم تات را تشکیل می‌دهد. ترانه، دوبیتی و چیستان در کنار قصه، مثل، کنایه و افسانه از عمده‌ترین مظاهر ادبیات عامه تات‌هاست. تا به امروز مجموعه‌ای مجزاً از ترانه‌های فولکلور و چیستان‌های تاتی با لهجه کلوری چاپ نشده است و جای خالی تحقیق در این خصوص بیش از پیش احساس می‌شود. مجموعه حاضر ادای دینی است به آن بخش از زبان سرزمین مادریم کلور که کمتر مورد توجه قرار گرفته است. این کتاب در دو فصل جداگانه تنظیم شده است. در فصل اول به ترانه و دوبیتی‌های تاتی پرداخته شده و فصل دوم در خصوص چیستان‌های تاتی است. در ابتدای هر فصل به طور مجزاً به ارائه توضیحاتی پرداخته‌ایم. در فصل اول دوبیتی‌ها به صورت موضوعی دسته‌بندی شده‌اند و خواننده علاوه بر ابیات با فرهنگ و آداب و رسوم تات‌ها نیز آشنا خواهد شد. روش کار در جمع‌آوری ترانه و چیستان‌ها میدانی بوده و نگارنده بر حسب علاقه در طول سالیان متمادی در لابه‌لای سخنان بانوان تات‌زبان به ویژه در شب‌نشینی‌ها، اجتماعات و دورهمی‌ها به جمع‌آوری، ثبت و ضبط آن‌ها اقدام کرده است. علاوه بر این منبع از کتاب‌ها، منابع علمی و اطلاعات اینترنتی نیز استفاده شده است. در نوشتار ابتدا نظم یا نثر به زبان تاتی آورده شده است. سپس متن تاتی به کمک زبان انگلیسی آوا نگاری شده که می‌تواند خواندن متن تاتی را برای خواننده ناآشنا آسان‌تر کند و در پایان نیز ترجمه تحت‌اللفظی عبارات و اشعار آمده است که نقش عمده‌ای در حفظ واژگان در حال فراموشی و ناآشنا دارد. این مجموعه علاوه بر حفظ و عمومی کردن دوبیتی و چیستان‌های تاتی می‌تواند به شناخت بیشتر فرهنگ مردم تات زبان کلور بینجامد. باتوجه به این که این دوبیتی‌ها از منابع متعدّد و از بانوان مختلف در طول سالیان متمادی جمع‌آوری شده به مواردی برخورد شده که یک دوبیتی به دو صورت و یا با تغییراتی در بعضی از مصرع‌ها مطرح شده است که نگارنده بدون دخل و تصرف گونه متفاوت آن دوبیتی را نیز آورده است و قضاوتی در خصوص این که کدامیک صحیح‌تر و اصیل‌تر است نشده و این مساله به خواننده آگاه واگذار شده است. البته تعداد این دوبیتی‌ها بسیار محدود می‌باشد. در چند دوبیتی نیز فقط یک بیت گردآوری شده و پس از تحقیق و تلاش فراوان موفق به جمع‌آوری بیت

بعدی نشدیم پس برای حفظ اصالت و رعایت اصل امانت‌داری بدون اضافه نمودن بیت یا مصرعی به اصل شعر فقط همان تک بیت را آورده‌ایم.

با توجه به عدم وجود منبع و یا تحقیقی مبسوط در این زمینه سعی شده که این مجموعه با کمترین نقص و فقط ترانه و چیستان‌های اصیل تاتی را شامل شود. پرواضح است که نمی‌توان ادعا کرد تمام ترانه‌ها و چیستان‌های تاتی در این تالیف گردآوری شده است ولی می‌تواند چراغ راهی برای علاقه‌مندان به این حوزه باشد. نکته قابل توجه این که هدف نگارنده در این اثر بررسی ترانه‌ها و مساله‌های تاتی با لهجه کلوری بوده اما بی‌شک بخشی از این عبارات با گویش‌های تاتی روستاهای اطراف کلور نیز یکسان است که نیاز به مطالعه تطبیقی دارد. به امید روزی که مجموعه‌ای کامل از دوبیتی‌ها و چیستان‌های روستاهای تات زبان منطقه شاهرود ارائه گردد. بی‌تردید مجموعه حاضر نیز چون هر کار علمی دیگر بی‌نقص نیست. امید است خوانندگان عزیز ما را از پیشنهادات و انتقادات سازنده خود بی‌پرده سازند.

در پایان لازم است از همهٔ باتوانی که ما را در جمع‌آوری ترانه‌ها و چیستان‌ها یاری کرده‌اند تقدیر و تشکر کنیم. از بانوان فرهنگ دوست و علاقه‌مند به فرهنگ عامه تاتی خانم‌ها: میهن امانی، سیده مه‌لقا اجلّی، سیده نجیبه شفا بخش، حمیرا رستم‌زاده، سیده ناهید محمدی، زرین‌تاج غریبی، رقیه خرسندی و همه مادران عزیز کلوری که در طول سالیان دراز این انواع ادبی را زمزمه کرده‌اند و گنجینه ارزشمند ترانه‌ها و چیستان‌های تاتی را از گزند خطر فراموشی حفظ نموده‌اند.

غرض نقشی است کز ما باز ماند	که هستی را نمی‌بینم بقایی
مگر صاحب‌دلی روزی به رحمت	کند در حق مسکینان دعایی

محسن حداد کلور

تابستان ۱۴۰۳

مقدمه

فرهنگ عامه

ادبیات عامه که در زبان انگلیسی به آن فولکلور می‌گویند، مرکب از دو جزء است. folk به معنی مردم، گروه، توده و lor به معنی دانش و فرهنگ می‌باشد که در فارسی آن را به فرهنگ توده یا فرهنگ عامه ترجمه کرده‌اند و در اصطلاح به مجموعه‌ای از افسانه‌ها، مثل‌ها، ترانه‌ها، چیستان‌ها، اعتقادات و به طور کلی آداب و رسوم و عقاید رایج در میان جوامع گویند که به صورت شفاهی و از طریق تقلید و تکرار از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود. فولکلور در ایران نخستین بار توسط شرق‌شناسان مورد توجه قرار گرفت، ژوکوفسکی ایران‌شناس روسی و کریستین سن شرق‌شناس دانمارکی از اولین کسانی هستند که به تحقیق و گردآوری ادبیات عامه در ایران پرداختند. آقا جمال خوانساری، میرزا حبیب اصفهانی و علی‌اکبر دهخدا از پیشگامان گردآوری و انتشار فرهنگ عامه در ایران هستند.

فرهنگ عامه متعلق به توده مردم است. از این رو ادبیات عامه پیوندی ناگسستنی با زندگی عادی مردم دارد. درواقع می‌توان گفت فولکلور بازتاب زندگی اجتماعی و فرهنگی مردم است که به صورت مکتوب درنیامده است. یکی از ویژگی‌های ادبیات عامه شفاهی بودن آن است، در هنر شفاهی بر اثر گذشت زمان و درآمیختن افکار و اندیشه‌های راویان مختلف در سال‌های متمادی و تحت تاثیر شرایط متفاوت حاکم بر هر دوره دخل و تصرفاتی صورت می‌گیرد، از این روست که از یک قصه، اسطوره، ترانه، شعر و مثل عامیانه با محتوای واحد روایات و گونه‌های مختلفی یافت می‌شود. محتوا و درون‌مایه ادبیات عامه اغلب نتیجه برداشتهای ساده یک قوم در طول تاریخ از زندگی و جوانب مختلف آن بوده است و علت سادگی آن نیز این است که از زبان مردمانی ساده و بی‌پیرایه سینه‌به‌سینه نقل می‌شود. ساخت‌های مختلف ادبیات عامه از زبان گویندگان ناشناس نقل شده است و نمی‌توان آن را چون ادبیات مکتوب دقیقاً ریشه‌یابی و به سرمنشا واضح و روشن متصل نمود. شاید با توجه به تغییر مولفه‌های زیبایی‌شناسی در ادبیات مکتوب، زیبایی‌های کلامی و تکنیکی ادبیات عامه چندان مجاب‌کننده و اغوا برانگیز نباشد اما پرداختن به این بخش از ادبیات علاوه بر جنبه التذاذ هنری و ادبی راهی برای شناخت گذشته یک قوم و حفظ آن است. قطع به یقین یکی از

راه‌های مطالعه جوامع گذشته فولکلور می‌باشد و از این طریق می‌توان به اطلاعاتی ناب از زندگی پیشینیان دست یافت. امروزه حفظ و ثبت فرهنگ و ادبیات عامه در میان علاقه‌مندان و دانش‌پژوهان به نسبت گذشته بسیار رشد داشته است و ضرورت انجام آن برای هر کس که دل در گرو فرهنگ بومی و زبان محلی دارد کاملاً واضح و آشکار است. توجه به ادبیات عامه از یک طرف به شناخت واژگان کهن که در گذر زمان غبار فراموشی به خود گرفته‌اند می‌انجامد و از طرف دیگر در ایجاد و تقویت هویت محلی و افتخار به زبان، گذشته و تاریخ در عصری که توجه به اصالت و گذشته قومی به دلیل تقویت مای ملی، پدیده جهانی‌شدن، رشد روزافزون فضای مجازی، تهاجم فرهنگی، حذف خرده فرهنگ‌ها و اختلاط اقوام کم‌تر مورد توجه می‌باشد، بسیار مؤثر است. به عبارت بهتر باید گفت ادبیات عامه روح قومی و گذشته پر افتخار گویشوران یک زبان را پیش‌روی آن‌ها قرار می‌دهد.

شهر کلور

کلور مرکز بخش شاهرود شهری از توابع شهرستان خلخال در استان اردبیل است. اهالی کلور و تعدادی از روستاهای اطراف به تاتی سخن می‌گویند. وجود قلاع، تپه‌های باستانی، زبان و فرهنگ کهن تاتی، آداب و رسوم و قرائن متعدد تاریخی از قدمت این شهر حکایت دارد. با توجه به این‌که موضوع این اثر در خصوص دوبیتی‌ها و چیستان‌های تاتی است از ارائه توضیحات بیشتر در مورد شهر کلور صرف‌نظر کرده و در ادامه تنها به بیان توضیحاتی در خصوص وجه تسمیه کلور می‌پردازیم. کُور kolur از دو بخش کُل و اور تشکیل شده است. در تمامی موارد زیر اور به معنی شهر آمده است. در لغت‌نامه دهخدا واژه کُور kolur به این معنا است: «آن‌چه از خوشه غله که پس از درو کردن و جمع کردن حاصل در کشت‌زار باقی می‌ماند و خوشه‌چین آن را برچیند». استاد رضا زرگری در کتاب تاریخ دیرین شرق آذربایجان به معرفی اقوام ساکن در شرق آذربایجان در طول تاریخ پرداخته و از اقوام کور و کول به عنوان یکی از اقوام دیرین این دیار نام می‌برد. ایشان با اشاره به اسناد مختلف تاریخی کول را شکل تغییر یافته کور می‌داند، با در نظر گرفتن موارد فوق می‌توان چنین نتیجه گرفت که واژه کُور با دو جز کول و اور به معنی آبادی است که ساکنین آن از اقوام کهن کول‌ها بوده‌اند. علاوه بر این در تاتی کول به معنی تپه و کوه است و بی شک بخشی از اسامی

مربوط به مکان‌ها قابل انتساب به این واژه می‌باشد. اسامی برخی از نقاط در کلور نیز این موضوع را تایید می‌کند. مانند واژه کوله دیمه که به چندین نقطه در شهر اطلاق می‌گردد. کوله دیمه به تپه‌ای گفته می‌شود که دامنه‌ای هموار داشته باشد. در این ترکیب کول اور شهری است که در دامنه کوه بنا شده باشد که این فرض با توجه به موقعیت جغرافیایی شهر قابل تامل است. در کنار ریشه‌یابی و توجه به ساخت لغوی واژه کلور نمی‌توان از داستان‌های تاریخی که به صورت شفاهی و سینه به سینه در این خصوص نقل شده است غافل بود. در ترکی خاک یا خاکستر را کول گویند. بر اساس حکایتی قدیمی ۹ برادر که همگی از صاحب منصبان حکومتی بودند، مورد غضب حکومت قرار گرفته و از دربار اخراج می‌شوند. برادران به دنبال جایی برای سکونت می‌گردند و معتقد بودند نعمت و برکت در جایی است که خاکستر بیشتری از آتش حاصل شود و پس از اطراق در نقاط مختلف به جایی می‌رسند که خواسته مطلوبشان فراهم می‌آید و آن نقطه را کول اور یعنی شهری که در آن خاکستر بیشتری باقی بماند نامیدند. پرواضح است که استاد به این دست از داستان‌های شفاهی برای تعیین وجه تسمیه اماکن مقداری سهل‌انگاری است. در کنار بررسی و توجه به فرض‌های مختلف فوق بی‌تردید باید به تلفظ صحیح تات‌زبانان از این واژه دقت بیشتری شود. از هر گویشور تات زبان کلوری بپرسید اهل کجا هستید؟ بی‌درنگ پاسخ می‌دهد کلور جیم. واژه کلور kəllur در طول زمان به ویژه در دهه‌های اخیر از شکل اصیل خود خارج و کلور kolur تلفظ می‌گردد و در تقسیمات کشوری نیز با همین نام شناخته می‌شود. پرواضح است که شکل تلفظ در زبان اهمیت فراوانی در ریشه‌یابی واژگان دارد. کلور را می‌توان به دوگونه معنا نمود. کلور از دو جز کل و اور تشکیل شده است که در شکل اول واژه کل به معنای آتش می‌باشد. وجود واژگانی چون کله‌گا: اجاق آتش یا کل پیگردن: آتش افروختن به این موضوع صخه می‌گذارد و کلمه اور به معنای گذشته دور با منشا در اعماق تاریخ است و در یک ساخت کلی به معنی آتش ازلی است که استاد بزرگ‌زاده در کتاب لغت‌نامه تاتی نیز بر این موضوع تاکید دارند. اما در شکلی دیگر کلمه کل به معنی آتش و واژه اور به معنای زمین هموار یا سرزمین است که در ساخت نام شهرهایی چون ارومیه (زمین کنار آب) اورزم یا خوارزم (زمین هموار یا پست) آمده است و به این ترتیب می‌توان کلور را به زمین هموار کنار آتش (آتشگاه) و یا شهر آتش معنی نمود که با توجه به اعتقادات دیرینه ایرانیان به

زرتشت و وجود این آئین در جای جای ایران پهناور و به تبع در این منطقه قابل قبول به نظر می‌رسد.

تات‌ها

تات‌ها از اقوام ایرانی تبار هستند که مورخین آنها را از بازماندگان مادها می‌دانند. علامه دهخدا تات‌ها را قومی ایرانی، پارسی و از اهالی قسمت‌های شمالی ایران می‌داند که با لهجه محلی سخن می‌گویند. در قفقاز نیز آن دسته از ایرانیان که هنوز زبانشان فارسی مانده به تات معروف هستند. در بیت زیر که منسوب به مولانا است به واژه تات اشاره شده است.

اگر تَتسن اگر رومی اگر ترک زبان بی زبانان را بیاموز

یعنی اگر ایرانی یا رومی و یا ترک هستی زبان اهل دل را بیاموز. واژه تات در اینجا به معنی ایرانی آمده است. معنای واژه تات را علاوه بر شعر باید در میان مثل‌های کهن نیز جستجو کرد. به طور کلی در امثال و ترانه‌های ترکی واژه تات معنای ایرانی آمده است. در مثل بوسوز هیچ تاتین کتاب ده یوخذر؛ این حرف در کتاب هیچ تاتی نیست، لفظ تات به معنی شخص دانشمند، اهل فضل و کتاب به کاربرده شده است. در کنار این تعبیر تعدادی از محققین نیز تات را واژه‌ای به جای تاجیک می‌دانند که از طرف ترکان به ایرانیان دانشمند و زراعت پیشه اطلاق شده است.

مردمی که امروزه با عنوان تات شناخته می‌شوند در نواری منقطع از کوه‌های قفقاز تا کوه‌های خراسان پراکنده‌اند که در طول زمان دستخوش تحولات مختلف بوده و نهایتاً امروز در نواحی دور از هم قرار گرفته‌اند و به صورت جدا از هم زندگی می‌کنند. جمعیت تات‌های ایران در حدود ۴۰۰ هزار نفر است که در استان‌های مختلف چون قزوین، مرکزی، البرز، تهران، اردبیل، گیلان، زنجان، خراسان شمالی و اصفهان ساکن هستند. نکته قابل تأمل این که دوری و فاصله فیزیکی میان تات‌ها نتوانسته است اشتراکات آن‌ها را کمرنگ کند. تات پژوه خلخالی دکتر نظری که در این خصوص تالیفاتی نیز دارد، تات‌های ایران از چند منظر با هم مشترک می‌داند. از جمله این اشتراکات زبان تاتی است که در تمام مناطق تات نشین رواج دارد، منشا و تبار مشترک که به مادها برمی‌گردد، تاریخ و سرنوشت تاریخی که سبب شده وضعیت تاریخی مشترکی داشته باشند و میراث فرهنگی مشترک.

ماحصل سخن این که تات‌ها با فراز و نشیب‌های فراوان تاریخی روبرو شده‌اند و دوران اوج و افول متعددی را سپری نموده‌اند ولی همچنان استوار و پابرجا گذشته، زبان و اصالت خود را در میان هجوم چند هزار ساله سایر اقوام حفظ نموده‌اند. نکته حائز اهمیت و آنچه که همه محققین بر آن اتفاق نظر دارند اصالت و ایرانی بودن قوم تات است. مؤید این مطلب نظر برخی از تات‌پژوهان برجسته است که معتقدند تات‌ها از ساکنان بومی ایران قبل از ورود آریایی‌ها هستند و قدمتی به درازای تاریخ دارند.

زبان تاتی

زبان تاتی از دسته زبان‌های ایرانی شاخه شمال غربی است. گویش‌های مختلف این زبان در گذشته از آذربایجان تا شمال خراسان گسترده بودند ولی امروز با جایگزینی زبان‌های فارسی، ترکی و سایر زبان‌ها تنها در بخش‌هایی از نوار شمالی ایران مردم به این زبان تکلم می‌کنند. نظرات بسیاری درمورد ریشه این زبان ارائه شده است، برخی از صاحب‌نظران به شباهت تاتی با اوستایی اشاره می‌کنند. عده‌ای به نزدیکی زبان تاتی به پهلوی معتقدند و بعضی نیز تاتی را همراه تالشی، مازندرانی و گیلکی از بازماندگان زبان مادی کهن می‌دانند. عده‌ای از پژوهشگران نیز بر این باورند که زبان تاتی زبان قدیم آذربایجان بوده و در پژوهش‌های خود در خصوص زبان تاتی از واژه آذری استفاده می‌کنند. در مجموع بسیاری از محققین بر این باورند که ریشه زبان تاتی مادی است و این زبان در طول قرن‌ها تحت تاثیر زبان‌های اوستایی، پهلوی، فارسی‌دری، ترکی و تالشی قرار گرفته است و پس از طی مراحل و گذر ایام در آخرین شکل خود بدین صورت درآمده است. در حال حاضر تات‌ها چون جزیره‌هایی دور از هم زندگی می‌کنند و همگی به زبان تاتی ولی با لهجه‌های مختلف تکلم می‌نمایند، نکته قابل توجه در این زبان تفاوت گویش‌ها در مناطق مختلف تات‌نشین است. در منطقه شاهرود که نزدیک به ۱۵ آبادی تات زبان هستند، گویش‌های مختلفی وجود دارد. مثلاً گویش مردم روستای لرد با کلور متفاوت است یا گویش تاتی مردم منطقه شاهرود با تاتی تاکستان تفاوت دارد، اما در کنار این تفاوت‌ها، لغات و عبارات مشترک، آئین و فرهنگ مشابه و ریشه واحد مردم تات‌زبان را در هر نقطه از ایران و با هر گویشی در کنار هم قرار می‌دهد.

رسم الخط این اثر

از مهم‌ترین چالش‌ها و دغدغه‌های مولف این اثر، از همان ابتدای کار، چگونگی نوشتن به زبان تاتی و انتخاب رسم‌الخطی مناسب بوده است. فقر آثار مکتوب تاتی در دسترس که می‌توانست الگویی مناسب و یگانه برای همگان باشد سبب شده است که دیگر مولفان و پژوهشگران این حوزه نیز با این چالش مواجه باشند. همین امر باعث ایجاد اختلاف نظر در میان زبان‌شناسان و نویسندگان کتاب‌های تاتی درخصوص رسم‌الخط و الفبای تاتی شده است. این اختلاف در چگونگی نوشتن صدای شوا و ه پایانی خود را بیشتر نشان می‌دهد. با اندکی اغماض می‌توان گفت هرکدام از مولفان کتاب‌های تاتی در این خصوص به‌گونه‌ای مستقل و خاص اقدام کرده‌اند که خود این امر موجب تشکیک و سردرگمی علاقه‌مندان به تالیف و تحقیق در زمینه زبان تاتی شده است. عده‌ای معتقدند همان‌گونه که تلفظ می‌کنیم باید بنویسیم، مثلاً واژه شاه را شا یا سیاه را سییا تلفظ می‌کنیم پس به همان شکل می‌نویسیم و بر این اساس تمامی کلماتی که به صدای کسره، فتحه، شوا و ه پایانی ختم می‌شوند با ه آخر نوشته می‌شوند، مانند خمیده نه باج با: به حمید بگو ییا. آوردن ه پایانی در کلمه حمید نمونه‌ای از این نوع نگارش است. عده‌ای دیگر علی‌رغم استفاده از الفبای فارسی، از شیوه نوشتار در فارسی تبعیت نمی‌کنند و فقط نحوه تلفظ یا ادای حروف و کلمات را ملاک قرار می‌دهند. نظر این گروه هم این است که آن‌گونه که تلفظ می‌کنیم باید بنویسیم، مثلاً واژه پیاز را پیپاز می‌نویسیم، ولی درخصوص واژگان منتهی به ه آخر با استفاده از حرکات عربی موضوع را حل می‌کنند و به‌گونه‌ای متفاوت از روش پیشین اقدام می‌نمایند. به عبارت دیگر واژه‌ای که به صدای کسره، شوا، فتحه و یا ه ختم شود با ه آخر نوشته نمی‌شود و با حرکات بر روی حروف پایانی آورده می‌شود مانند واژه: دوره مبادله شیر یا بام: آمد یا نش: رفت. گروهی نیز راهی بینابین را انتخاب کرده‌اند که با بررسی این شکل از نوشتار هم به تناقضاتی آشکار می‌رسیم. غرض از بیان مطالب فوق قضاوت درخصوص اشکال مختلف نوشتار در تاتی نیست چراکه این مساله در تخصص نگارنده نمی‌باشد و در این مورد ادعایی نداشته و تنها به‌عنوان مقدمه‌ای برای بیان شیوه استفاده‌شده در این مجموعه به تشریح سابقه موضوع پرداختیم. به هر حال، همان‌طور که مورد تایید فرهنگستان

زبان و ادب فارسی نیز می‌باشد، رسم‌الخط هر زبانی امری قراردادی و تابع اصولی ثابت است. آنچه نگارنده در کتاب حاضر ملاک عمل قرار داده اصول زیر است:

رسم‌الخط فارسی معیار قرار گرفته و در شکل کلی نوشتار واژگان از الفبای زبان فارسی استفاده شده است.

اصل همان‌گونه که تلفظ می‌کنیم باید می‌نویسیم در سراسر اثر رعایت شده است. مثلاً در کلمه **شییار**: مانند دو حرف ی پشت سر هم آورده شده، اما این امر یک استثنا دارد و آن زمانی است که واژه با زبان فارسی مشترک باشد که در این صورت چون چشم خواننده با شکل نوشتاری کلمه و گوش با صدای کلمه به همان شکل آشناست، واژه به همان شکل فارسی نوشته شده است. مانند پیاز که دیگر **پیماز** نوشته نشده و چون شکل فارسی یعنی **پیاز** آورده شده است. این استثنا فقط در صورتی که دو حرف در کنار هم تکرار شوند اتفاق می‌افتد و در سایر موارد همان اصل کلی رعایت می‌شود. مثلاً راه در تاتی را یا شاه در تاتی **شما** تلفظ می‌شود پس بالتبع بدون ه نوشته می‌شوند.

کلماتی که به حروف ربط تاتی چون **نه** یا **نه** ختم شوند با ه پایانی نوشته می‌شوند. **شادی‌یه مرگ**: **شادی از روی مرگ** یا **دیداز نه**: **با دیدار از آن جمله‌اند**.

در جایی که کلمه در آخر ه ندارد اما ه آخر معنای است یا هست می‌دهد نیز ه پایانی آورده شده است. مانند **آسوداران بندا نشوند خُرك داران را خدا گریمنه**: **بگذار قاطردارها بروند برای صاحبان الاغ خدا کریم است**.

در تاتی نیز چون دیگر زبان‌ها واژگانی با تلفظ واحد و معنای متفاوت وجود دارد مانند (دِه: روستا و دِه: دو) یا (دِه: دِه و دِه: دیگر) که ه آخر برای آن‌ها آمده است.

استفاده از حرکات عربی برای نوشتن واژگان تاتی امری لازم و غیرقابل اجتناب است. علاوه بر صداهای آ، ا، اُ صدای دیگری که بیشتر شبیه سکون است و از آن با عنوان **شوا** یاد می‌شود پرکاربردترین صدا در تاتی است. برای نشان دادن این صدا از علامت * استفاده شده است مانند **وَل**: **گل سرخ** یا **گل**: **آتش**. گاهی صدای کسره با صدای **شوا** اشتباه گرفته می‌شود و تشخیص آن نیاز

به اندکی دقت دارد. برای نمونه **ول** به معنای **هرجایی** متفاوت با **وَل** به معنای **گل سرخ** تلفظ می‌شود.

اما نکته مهم و عامل اصلی اختلاف در متون تاتی صدای ه پایانی در بعضی از کلمات است که در این مجموعه شکل مطلق یا صورت اصلی واژه برای نحوه نوشتن مدنظر قرار گرفته است. بدین معنی که اگر واژه در شکل اصلی و مطلق به صدای فتحه، کسره، ضمه و شوا ختم شود حرف ه نیز در پایان کلمه می‌آید. برای مثال از آنجا که واژه **وَارَه** به فتحه ختم می‌شود پس ه جزء جدایی‌ناپذیر و از حروف اصلی کلمه است و باید نوشته شود. واژگانی چون **بامَه**، **نُشه**، **نُشه**، **نایه**، **نامَه** نیز از این دست هستند. اما واژگانی که در شکل اصلی و مطلق خود به صدای فتحه، کسره، ضمه و شوا ختم نشوند، زمانی که در ضمایر و شکل‌های مختلف صرف شوند، فقط با حرکات نشان داده می‌شوند و ه برای نشان دادن صدای آخر آورده نمی‌شود. مانند واژه **دیم** که چون در شکل مطلق خود به صدای سکون ختم می‌شود پس در جمله **دیمَ نه بگنَس زَمین**: با صورت **زمین خورد**، واژه **دیم** ه پایانی نخواهد داشت و با صدای شوا آورده می‌شود. واژه **چشم** در جمله **اگَه مَن دییس**: **چشمت را باز کن و مرا نگاه کن** نیز چنین است.

ترجمه کلمات و عبارات به صورت تحت‌اللفظی آمده است و مخاطب به راحتی معنای هر واژه را به صورت جداگانه در ترجمه می‌یابد؛ به همین دلیل از آوردن واژه‌نامه در پایان اثر پرهیز شده است. پس از بررسی و کنکاش بسیار و مشورت با اصحاب فن، این نوع نوشتار را مناسب زبان تاتی و دارای کمترین نقص یافتیم. هرچند این رسم‌الخط نیز خالی از اشکال نیست، اما آنچه که مهم است برگزیدن قراردادی با قوانین مشخص و ثابت برای نوشتن به زبان تاتی است. تدوین الفبایی سنجیده با کمترین اشکال برای زبان تاتی نیازمند همفکری زبان‌شناسان و متخصصان این حوزه در فضایی علمی و دانشگاهی است. قطعاً داشتن رسم‌الخط واحد می‌تواند تالیفات یکپارچه و قابل استناد در حوزه تاتی را گسترش دهد.

راهنمای آوانگاری

آوا

ă

a

e

ə

o

u

i

b

p

t

j

č

x

d

r

z

ž

s

š

q

f

k

حرف فارسی

آ

ا

إ

أ

اُ

او

ای

ب

پ

ت

ج

چ

خ

د

ر

ز، ذ، ض، ظ

ژ

س، ث، ص

ش

غ، ق

ف

ک

گی

ل

م

ن

و

ه، ح

ی

g

l

m

n

v

h

y

www.ketab.ir